یادداشت روز

رفع آلودگی هوا با واکسن کرونا!

تعطیلات مدارس در تهران و برخی دیگر از شهرهای صنعتی و پرجمعیت به علت آلودگی هوا در سـال تحصیلی جاری آن‌قدر طولانی شد که وزیر آموزش و پرورش در روزهای اخیر به یکباره خبر از پایان تعطیلات و بازگشایی مدارس حتی در هوای آلوده و همچنین ارائه پیشنهاد برای افزایش شاخص اعلام تعطیلی دانش‌آموزان همچون برخی کشورهای دیگر داد.

علت این واکنش وزیر آموزش و پرورش، نگرانی از تبعات تعطیلی آموزش حضوری، اُفت تحصیلی و تربیتی و ناکافی بودن و بازدهی پایین آموزش مجازی بود؛ موضوعی که بارها کارشناسان و رسانه‌ها نسبت به آن هشدار داده بودند و البته معلمان و والدین نیز به‌صورت عینی آن را تجربه کرده‌اند. پیش از این هم در روزهای گذشته وزارت آموزش و پرورش در اطلاعیه‌ای با هشدار درباره افت تحصیلی نگران‌کننده دانش‌آموزان و ایجاد مانع در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی به علت تعطیلات مکرر، اعلام کرده بود: «هیچ روشی جایگزین آموزش و تربیت حضوری در محیط مدارس و کلاس‌های درس نخواهد بود و آموزش‌های مجازی پاسخگوی همه نیازهای دانش‌آموزان نبوده، بنابراین غیرحضوری شدن مدارس باید به‌عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته شود.»

این نگرانی و هشدارها وقتی جدی‌تر و عمیق‌تر می‌شود که تجربه دو سه سال اخیر نظام آموزشی کشور در زمان شیوع کرونا را مرور کنیم و به یاد آوریم که آموزش ناگزیر مجازی در ایام کرونایی چه بر سر سطح تحصیلی و امور تربیتی و پرورشی دانش‌آموزان آورد و ورود بی‌موقع و بعضاً بی‌ضابطه دانش‌آموزان از کلاس اول تا پایه‌های دیگر به فضای مجازی و ایجاد وابستگی مزمن و اعتیادآور بسیاری از آنها به این فضا در پی حضور در کلاس‌های آنلاین چه اثرات روحی، جسمی و تربیتی ناخوشایندی را برجای گذاشت.

خوشبختانه به لطف خدا و در پی اقدامات وسیع در واکسیناسیون و کنترل بیماری کرونا در کشور، از هفته‌های پایانی سال تحصیلی گذشته و در ادامه از ابتدای سال تحصیلی جاری با حضوری شدن آموزش و بازگشایی مدارس، این نگرانی‌ها و تبعات منفی تا حد زیادی کاهش یافته بود که غول آلودگی هوا دوباره از راه رسید و در تهران و برخی دیگر از شـهرها بانی تعطیلات طولانی و مکرر شد. آنگاه که هوا مناسب‌تر شد نیز موج سرما و نیاز به رفع اُفت فشار گاز تعطیلی گسترده دیگری را بر نظام آموزشی تحمیل کرد.

اما نگرانی بجا از اثرات تعطیلی طولانی مدارس یک طرف ماجراست و آن سوی ماجرا نگرانی جدی دیگری وجود دارد و آن‌هم تبعات خطرناک و بیشتر آلودگی هوا بر کودکان و دانش‌آموزان است که بارها از سوی وزارت بهداشت و پزشکان متخصص نسبت به آن هشدار داده شده است و والدین نیز از این موضوع بیمناک هستند.

در همین زمینه اعلام موضع وزیر آموزش و پرورش درخصوص تعطیل نشدن مدارس با آلودگی هوا مگر در موارد استثنایی، واکنش وزارت بهداشت را در پی داشته است.

همین دیروز بود که رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت در واکنش به اظهارات وزیر آموزش و پرورش گفت: «یکی از گروه‌های حساس کودکان هستند و این درست نیست که صرفاً با تغییر شاخص آلودگی هوا، صورت مسئله را پاک کنیم. ما باید اقدام جدی برای کاهش مواجهه و کاهش غلظت آلاینده‌های هوا داشته باشیم... ما هم در وزارت بهداشت تعطیلی مدارس را راهکار اصلی نمی‌دانیم، اما چاره دیگری جز این نداریم که با این کار مواجهه کودکان با آلودگی هوا را کاهش دهیم.»

در این بین با وجود دغدغه‌ها و نگرانی‌های قابل اعتنای دو وزارتخانه بهداشـت و آموزش و پرورش درخصوص تبعات آلودگی هوا و خطرات تعطیلی مدارس، متاسفانه باز هم شاهد نوعی ناهماهنگی در بین مدیران بخش‌های مختلف و سرایت سردرگمی ناشی از آن به مردم هستیم.

سؤال اینجاست؛ مگر در هنگام تصمیم‌گیری و اعلام یک موضوع در چنین سطحی مسـئولان و مدیران در جمع خود گفت‌وگو و هم‌اندیشی نمی‌کنند و آیا تصمیمات از جنبه‌های مختلف بررسـی نمی‌شوند که درخصوص یک موضوع شاهد اختلاف دیدگاه و موضع مسئولان هستیم؟

اگر بازگشایی مدارس تصمیم قطعی دولت است باید صریح و مستدل و منطقی بیان و مطرح شـود و اگر نگرانی از تبعات آلودگی هوا موضع دولت است باید صریحا مطرح و لحاظ شود. چطور ممکن است که تازه صحبت از ارائه پیشنهاد برای افزایش شاخص آلایندگی منجر به تعطیلی مدارس می‌شود اما هنوز این پیشنهاد بررسی و تصویب نشده و مصوبه سال ۹۶ دولت با همان شاخص مرسوم برقرار است خبر بازگشایی مدارس در شرایط قرار داشتن در همان دامنه منجر به تعطیلی اعلام می‌شود؟

اما با همه اینها، حرف اصلی و روی سخن با مدیران آموزش و پرورش و وزارت بهداشت نیسـت چرا که به هر حال هرکدام با دلایل موجّه نگرانی‌های خاص و قابل تأمل خود را درخصوص ماجرای آلودگی هوا و تعطیل یـا باز بودن مدارس دارند و البته در موضوع مدیریت و کاهش آلودگی هوا نیز نقش و اثر خاصی ندارند، روی سـخن با مسئولان و دستگاه‌های مختلف دخیل در بحث کنترل آلاینده‌های جوّی است که باید به‌طور جدی و متفاوت از گذشته وارد گود شوند.

متأسفانه در مسئله آلودگی هوا که از گذشته در کشور ما وجود داشته و گویا سال به سال نیز سخت‌تر می‌شود، سال‌هاست که شاهد حرف‌های تکراری و پاسکاری مسئولیت‌ها بین دسـتگاه‌ها هستیم و با رفتن زمستان و بهبود شرایط هم این مشکل به فراموشی سپرده می‌شود تا سال آینده و تکرار دوباره مکررات! این در حالی است که سالانه هزاران نفر در کشور قربانی آلودگی هوا می‌شوند و این مسئله نه یک موضوع پیش پا افتاده بلکه یک مسئله مهم و حیاتی است. وقتی سال‌ها این معضل مطرح بوده و حتی قانون «هوای پاک» با مشـخص کردن نقش و وظایف دستگاه‌های مسئول مصوب و ابلاغ شده است اما سال به سال بر شدت آلودگی هوا افزوده می‌شود یعنی این روش و این نوع مدیریت به درد رفع چنین مشـکل بزرگی نمی‌خورد و برای حل آن باید با عزم جزم وارد میدان شد و نه همچون گذشتگان برای حل مشکلات زیست‌محیطی منتظر برجام نشست! و از عمل به وظایف قانونی طفره رفت و نه به مدیریت با اهرم تعطیل کردن دلخوش بود.

درخصوص حل مشکل آلودگی هوا علاوه‌بر اینکه تجربه بسیاری از کشورها و شهرهای آلوده جهان در مبارزه علمی و اتخاذ تصمیمات بجا، اثرگذار و پایدار در دسترس و تا حد زیادی قابل تکرار است، یک تجربه مهم و نزدیک در داخل نیز پیش روی ما قرار دارد که به همه ثابت می‌کند مهم‌تر از یک بزرگی یک معضل و مشکل، سطح اراده و جدیّت ما و نحوه تعامل درست و مسئولیت‌پذیرانه و جذب همه پتانسیل‌ها در برخورد با آن است.

روندی که کشور ما در شـیوع ویروس کرونا تجربه کرد و از یک کشور با شرایط بحرانی در ابتدای ورود بیماری به یک کشـور الگو و برتر در کنترل این ویروس تبدیل شد یک نمونه عینی و ملموس از نحوه غلبه بر مشکلات و بحران‌هاست. می‌توان گفت؛ کرونایی که در کشور گاه در یک روز جان ۷۰۰ نفر را می‌گرفت و ده‌ها هزار مبتلای جدید را گرفتار می‌کرد، از آلودگی هوا که به‌طور خاموش در حال قربانی گرفتن است، سهمگین‌تر بود و بسیاری ناامیدانه تصور رسیدن روزهایی که هیچ مرگ کرونایی نداشته باشیم یا روزانه تنها یک یا دو هموطن عزیز را از دسـت بدهیم نداشتند (آن هم در شرایطی که در همین ایام همچنان در کشـورهای اروپایی و آمریکا و ژاپن و... هرکدام روزانه صدها مرگ کرونایی ثبت می‌شود)، اما چه شد که در همین کشور، با همین امکانات و با مدیریت داخلی توانستیم بیماری کرونا را در یک بازه دو سه ساله شکست دهیم اما سال‌هاست در برابر آلودگی فصلی هوا تا این حد ناموفق و منفعل هستیم؟

راز موفقیت در مهار کرونا، ابتدا پذیرش وجود یک مشکل و معضل و سپس رسیدن به یک عزم ملی و تقریبا تک‌صدایی در بین مسئولان و ساماندهی موفق ستاد ملی مبارزه با کرونا، استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود از سطح کلان کشور تا سطح محلات از جمله ظرفیت‌های مردمی، اعتماد مسئولان و مردم به متخصصان و جوانان دانشمند کشور برای سـاخت واکسن‌های مختلف و موثر و بی‌خطر، حمایت و پشتوانه عظیم معنوی مردم و حمایت مسئولان از کادر خدوم درمان به‌عنوان پیش‌قراولان مبارزه با کرونا و همین‌طور اصلاح به‌موقع کاستی‌ها یا کمبودها و کم‌کاری‌ها از جمله اصلاح به‌موقع و بسیار حیاتی روند خرید واکسن و تسـریع در واکسیناسیون عمومی، اختصاص مدبرانه بودجه‌های لازم و موارد متعدد دیگر بود.

اگر قرار بود با کرونا آن‌طور که با آلودگی هوا رفتار می‌کنیم مواجه می‌شدیم یعنی هر سازمانی با وجود تصریح قانون و تعیین وظایف، مسئولیت را به سازمان دیگر حواله می‌داد، یا هر سازمان و مسئولی بدون هماهنگی با سازمان‌های مربوطه دیگر راه خود را می‌رفت و یا اینکه موضوع نه به‌عنوان یک معضل مسلّم و خطرناک در سطح ملی و نیازمند ورود همه مسئولان و مردم دیده می‌شد؛ اکنون شاید هنوز شاهد ادامه قدرت‌نمایی کرونا و مرگ روزانه صدها نفر یا بیشتر از هموطنان‌مان می‌بودیم.

اکنون نیز چاره کار مبارزه با آلودگی هوا اجرای همان نسخه مبارزه با کروناست. باید به این معضل که سلامتی امروز و فردای کودکان و نسل آینده‌ساز کشور را هدف گرفته به‌عنوان یک اَبَرمشکل و در بالاترین سطح رسیدگی دیده شود. تشکیل ستاد ملی مبارزه با آلودگی هوا با عضویت تمام قوا و دستگاه‌های مسئول و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها به ریاست بالاترین مقام اجرایی کشور و برگزاری مداوم و پیگیرانه جلسات این ستاد همراه با بازخواست و دریافت گزارش‌های عملکرد، اختصاص بودجه‌های لازم و واقع‌بینانه و نه رفع تکلیفی به‌جای هزینه چندبرابری در سال‌های آینده برای درمان قربانیان آلودگی هوا، اسـتفاده از ظرفیت جوانان دانشمند، خلاق، نخبه و شرکت‌های دانش‌بنیان برای کمک‌های فنی و ارائه ایده‌های نوین و علمی به‌روز، جلب مشارکت مردم و راه‌های دیگر مشابه آنچه در مبارزه با کرونا تجربه کردیم نمونه‌هایی از نیاز امروز است.

اگر می‌خواهیم مبارزه با آلودگی هوا جدی‌تر از قبل اجرا شود، باید بخش‌های صنعتی، خدماتی، پژوهشی، مدیریتی و کل بدنه اجرایی کشور تمام‌قد و نه در حد شعار و حرف و سخنرانی، پای کار بیایند. نکته مهم اینکه ما در مهار کرونا توانستیم دشمن و معضلی را شکست دهیم که نوظهور بود و تجربه قبلی و شناخت کافی از رفتار آن نداشتیم اما تجربه مبارزه با آلودگی هوا سال‌هاست در کشورهای مختلف وجود دارد و پیش چشم ماست. موارد مهمی همچون نوسازی و توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی، بهبود کیفیت سوخت، از رده خارج کردن خودروهای فرسوده از جمله از طریق دادن سهمیه ویژه در قرعه‌کشی‌های کذایی، بهبود کیفیت و کاهش مصرف سوخت خودروهای تولید داخل، استفاده از سوخت‌های پاک برای خودروها و موتورسیکلت‌ها و موارد مشابه متعدد دیگر.

به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها یعنی اینکه رسیدن به پاسخ سؤال‌هایی همچون اینکه چرا وقتی جوانان ما به بالاترین سطح از علوم در حوزه‌های مختلف دست یافته‌اند و در کشوری که موشک‌های جنگی و فضایی با سوخت جامد و بالاترین کیفیت و دقت ساخته می‌شود یا جوانان نخبه طی چند ماه واکسن کرونا می‌سازند، چرا از نخبگان به‌درستی برای کاهش مصرف بالا و کیفیت خودروهای داخلی استفاده نمی‌شود؟

بی‌شک وظیفه سنگینی بر دوش مسئولان از گذشته تاکنون برای تحقق خواسته به حق مردم برای حل مشکل آلودگی هوا قرار داشته و دارد که هرگونه کم‌کاری در آن قابل پذیرش نیست. مردم نیز در این مسیر می‌توانند سهم و نقش مهمی داشته باشند که یک نمونه از آن استفاده درست و بهینه از خودروی شخصی و رفتن به سمت استفاده بیشتر از حمل‌ونقل عمومی است. بی‌شک مصرف روزانه بیش از ۱۰۰میلیون لیتر بنزین در کشور و ۱۶ میلیون لیتر در تهران یک زنگ خطر زیست‌محیطی است که با مدیریت و همراهی مردم قابل کنترل است.

عباس شمسعلی

کیهان بررسی کرد

جاسوس اعدام‌شده انگلیس در کدام رسانه‌ها لانه کرده بود؟!

سرویس سیاسی -

ضربـه هولنـاک وزارت اطلاعات به سرویس جاسوسی انگلیس (SIS) و دسـتگیری علیرضـا اکبـری، حیـرت صاحب‌نظران امور اطلاعاتی را در پی داشت. حال این پرسش در میان است که این عنصر با کدام رسـانه‌ها فعالیت داشته است؟

یادداشـت‌ها، سـخنرانی‌ها و مصاحبه‌های علیرضا اکبری، یکی از مهم‌ترین نفوذی‌های سـرویس جاسوسی انگلیس در ایران که اخیرا اعدام شـد، به وضوح بیانگر تعلق و حمایت آشکار وی از خسارت‌محض برجام، تسـلیم شدن در برابر نظام سلطه و خودتحریمی FATF است.

تئوریزه کردن تسلیم در برابر نظام سلطه توسط جاسوس روباه پیر

او ۹ مهـر ۹۷ در مطلبـی که خبر آنلاین ـ وابسـته به چند تن از مدیران دولـت روحانی ـ از وی منتشـر کرده، نه تنهـا الحاق به FATF بلکه تسلیم در برابر آمریکا را آشـکارا تئوریزه کـرده و آورده است: «در مورد FATF، عدم اجرای مقررات یعنی بیرون کردن کشـور از چرخه همه مقررات و تسهیلات و زیرسـاخت‌های نقـل و انتقال مالـی و پولی، یا تحریم گسـترده بانکـی و پولی!... وضـع پیچیده و بغرنجی ایجاد می‌شود، به‌خصوص برای کشـورهایی کـه در تقابل با بخشـی از نظام بین‌الملل باشند، مثل جمهوری اسـلامی ایران که از اسـاس منتقد وضع موجود نظام بین‌الملل است. ادامه حیات منوط به پذیرش و اعمال مقررات می‌شود، و پذیـرش، ما را ناچار به تغییر، در اهداف هویتی خواهد کرد! از آن سو، عدم پذیرش نیز راه تنفس مملکت را مسـدود می‌کند. انتخاب بسیار سـخت و تعیین‌کننده‌ای است، اما باید انتخاب کرد!»

جاده صاف‌کنی برای الحاق به FATF

اکبـری ۲۸ مهـر ۹۷ نیز در روزنامـه ایـران در مقطـع زمانی که ایـن روزنامه ارگان رسـانه‌ای دولت روحانی بود، به اجرای کامل دیکته‌هـای FATF تأکیـد کرده و می‌نویسـد: «رمز عبـور ایران از دروازه «کشورهای عادی»، اجرای کامل توافقنامـه «برنامه اقدام» و نیز تأمین فهرسـت خواسـته‌های ویژه است. «برنامه اقدام»، درواقع الگـوی مطالبـات FATF از هر کشـور و تعهدات خاص هر کشور اسـت. ما هنوز اقدامات بیشتری را باید تا اجرای کامل «برنامه اقدام»، به انجام برسانیم!»

حمایت از برجام

این عنصـر، همچنین پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ در سایت دیپلماسی ایرانی متعلق بـه صادق خرازی، دبیرکل سـابق حزب اصلاح‌طلب ندای ایرانیان و از نزدیکان خاتمی نوشت: «باور دارم که، «علت موجبه ریاست‌جمهوری آقـای روحانی، علت مبقیه آن، نیز خواهد بود.» از مهم‌ترین زمینه‌ها و علل انتخاب شدن روحانی در سال ۹۲، ضرورت‌های سیاست خارجی و فیصله دادن به یک تعارض شدید و سرد ۱۰ساله بود.

همان امری کـه به «برجام» منتهی شـد. هنوز همان زمینه‌ها، علـل و ضرورت‌ها باقی اسـت. نه فقط اجرای برجام، بلکه «مدیریت نامناسبات» فی‌مابین ایران و آمریکا، جوهر آن ضرورت است که کماکان تداوم دارد.»

وی در بخـش دیگـری از این یادداشت می‌نویسد: «روحانی، طی ۳۸ سال اخیر، اثبات کرده است که قواعد بازی را به خوبی می‌شناسـد و رعایـت می‌کند... تـا زمانی که وضعیت «نامناسـبات» فی‌مابین ایـران و آمریـکا، در نقطه کنونی، (یعنی نقطه تعـادل میان تضاد و توافق) قرار داشـته باشد، موقعیت دولت روحانی نیز مستحکم است.»

اکبـری اول مهـر ۹۶ نیز در سـایت دیپلماسـی ایرانی نوشت: «برنامـه «خاورمیانـه جدید»، که هـدف محـوری آن، شـخم زدن منطقـه و تحـول ریشـه‌ای در مزیت‌هـای ژئوپولیتیـک منطقه و به‌خصـوص «ما» اسـت، اگرچه توسط نومحافظه‌کاران آمریکا کلید خورده است، اما سهمی برای دیگر قدرت‌هـای رقیب آمریـکا، در آن لحاظ شده اسـت. مخالفت روسیه و چیـن- و تـا حـدودی اروپا- با بنیان‌گـذاری «خاورمیانه جدید» قابل مذاکره و معامله است. زمانی که ژئوپولیتیک منطقه تغییر کند، و زمانی که مزیت‌های ژئوپولیتیک ایران دسـتخوش تغییر شـود، آن گاه دنیـا بـا پدیده‌هـای بدیع و ناشـناخته‌ای در منطقه ما مواجه خواهد شـد. مقدمـات این تغییر ژئوپولیتیک تا حدودی مهیا شده و طرح در حال پیشروی است.»

اکنـون، بخشـی از بیانیه‌ای تبیینی اخیر وزارت اطلاعات درباره ماجرای علیرضا اکبری جاسـوس انگلیس را بخوانید؛ «انگلیسـی‌ها زمانـی که اکبری را طی دو مرحله به جاسوسی کشاندند، برای فرارش از ایران نقشـه کشـیدند، بیش از دو میلیـون یورو به او دسـتمزد پرداخت کردند، خانه‌های اشـرافی در ویـن و لندن و جنوب اسـپانیا برایش تهیه کردند و خارج از روال عادی به وی کارت اقامت، سـپس تابعیت و گذرنامه انگلیسـی دادند؛ خوب می‌دانستند که او را به سوی چه سرنوشتی سـوق می‌دهند. آیا حضـور یکی از مدیران SIS و یک نماینده پارلمان انگلیس در دادگاه لندن برای تسـریع در اخذ تابعیت برای اکبری، ناشـی از نوع دوستی انگلیسـی‌ها و کمک بـه مهاجران بوده است؟ اجرای این حکم نتیجه مستقیم جنایت دستگاه اطلاعاتی انگلیس است.

رژیـم انگلیـس حریصانـه از علیرضـا اکبری اطلاعات مربوط به پروژه‌های سـرّی نظامی و موشکی ایران، روش‌های دور زدن تحریم‌ها، اطلاعات مربوط به برخی نهادهای امنیتی، دفاعی و سیاسـی کشور و دانشـمندان بزرگی همچون شهید فخری‌زاده را درخواست می‌کردند و آن جاسوس وطن‌فروش، فارغ از میزان موفقیت، نهایت تلاش خود را برای ایفای آن نقش خائنانه به‌عمل می‌آورد.»

با اوصاف فوق، علیرضا اکبری در رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی لانه داشـته و با آنها همکاری می‌کرده است.

حـال بایـد پرسـید؛ اگـر «اینترنشنال» و بی‌بی‌سی و صدای آمریـکا، به‌عنوان بـازو در خدمت سرویس‌های جاسوسـی آمریکا و انگلیـس هسـتند، - یعنی جایی کـه اکبری بـرای آن سـال‌های متمادی جاسوسی می‌کرده است - چرا رسـانه‌های مدعـی اصلاحات بـا جنگ‌افزارهـای رسـانه‌ای دشمن هم‌پوشـانی می‌کنند؟ چرا سـرپنجه‌های جاسوسـی، نفوذ و خرابـکاری در این رسـانه‌ها لانه دارند؟

کنعانی: به زودی فهرست تحریم‌های ایران علیه ناقضان حقوق بشر در اروپا اعلام خواهد شد

کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشـت: جمهوری اسـلامی ایران حق خود برای عمل متقابل درخصوص این قبیل سیاسـت‌های شکست خورده را محفوظ دانسـته و به‌زودی فهرست تحریم‌های جدید علیه ناقضان حقوق بشـر و مروجان تروریسـم در اتحادیـه اروپا و انگلیس را اعـلام خواهد کرد.

ناصر کنعانی سـخنگوی وزارت امور خارجه، اقدام اتحادیه اروپا و نیز رژیم انگلیس درخصوص اعمال تحریم علیه تعدادی از اشـخاص حقیقی و حقوقـی ایرانی را قویاً محکوم کرد و آن را بیانگر ناتوانـی ذهنی مقامات اروپایی از درک درسـت واقعیت‌های ایران و سردرگمی آنان در قبال اقتدار جمهوری اسلامی ایران دانست. وی در ادامه اقدامـات تحریمی اخیر اروپا و انگلیس علیه برخی مسئولین کشور را نشـانه استیصال، سـرخوردگی و عصبانیت آنان از شکست فضاحت‌بار اخیـر در ایجاد بی‌ثباتـی در ایران به‌رغم تلاش‌ها و هزینه‌های سنگین قلمـداد نمود و تصریح کـرد: البته آنان به‌خوبـی می‌دانند که تحریم‌ها بـر عـزم و اراده ملت ایـران برای مقابلـه بـا دخالـت و توطئه‌های خارجـی خللـی وارد نخواهد کرد.

به گزارش مهر، سخنگوی وزارت امور خارجه در پایان اظهار داشـت: جمهوری اسـلامی ایـران حق خود برای عمل متقابـل درخصوص این قبیل سیاست‌های شکست خورده را محفوظ دانسـته و به زودی فهرست تحریم‌های جدید علیه ناقضان حقوق بشـر و مروجان تروریسم در اتحادیه اروپا و انگلیس را اعلام خواهد کرد.

گفتنـی اسـت روز گذشـته سـخنگوی کمیسـیون امنیت ملی و سیاسـت خارجی نیـز از نامه این کمیسـیون به وزارت امور خارجه و درخواسـت اقدام متقابل و فوری با تحریم‌های جدید اروپا خبر داد.

خبر ویژه

وقتی می‌توانیم تسلیم شویم چرا تنگه هرمز را ببندیم؟!

روزنامه اعتماد روز گذشـته در گزارشی به پیشـنهاد بستن تنگه هرمز به روی کشتی‌های تجاری غربی توسط مدیرمسئول کیهان و پیگیری آن از سوی نمایندگان مردم در مجلس پرداخت و نوشـت: «شریعتمداری ۲۳ آذرماه در قالب یادداشتی که در روزنامه کیهان منتشر شد، نوشت: «جمهوری اسلامی ایران حق دارد و می‌تواند در صورتی که منافع ملی خود را در مخاطره ببیند، تنگه هرمز را به روی تمامی کشتی‌های نفتکش و حتی کشتی‌های حامل کالای تجاری و تسلیحاتی ببندد.» شریعتمداری طی روزهای اخیر و پس از افزایش تنش‌ها میان ایران و اروپا هم این ایده تکراری خود را در گفت‌وگو با خبرگزاری‌های اصولگرا دوباره تکرار کرده است. ایده شریعتمداری اما این روزها شرکایی نیز میان اصولگرایان پیدا کرده است. ۳روز قبل بود که توییتی به نقل از زهرا شیخی، نماینده مردم اصفهان منتشر شد. شیخی در توییت خود در واکنش به تنش‌های اخیر با اروپا نوشت: «وقت مماشات نیست، همه کشورهای جهان عوارض عبور از تنگه‌ها را می‌گیرند... اروپاییان بابت امنیت کشتی‌هایشان باید به سپاه ما خراج دهند.»... ۲ بهمن‌ماه خبری به نقل از محمدحسـن آصفری عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی منتشـر شد که نشان می‌داد مجلس به‌دنبال ارائه یک طرح دوفوریتی برای محدودسـازی تردد کشتی‌های اروپایی در تنگه هرمز است. آصفری اعلام کرد مجلس به‌دنبال طرحی است که محدودیت تردد کشتی‌های تجاری اروپایی در تنگه را به‌دنبال داشته باشد.»

این روزنامه در ادامه همچنین به نقل از یک استاد دانشگاه نوشت: «هر نوع اقدامی برای بستن این تنگه تبعات سنگینی را برای ایران به همراه خواهد داشت... جدا از بحث برجام، موضوع همکاری نظامی ایران با روسیه هم برای کشورهای اروپایی مطرح است. در این شرایط ایران باید در حوزه سیاسی، نظامی و ارتباطی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که مناسـبات ارتباطی‌اش با همه جهان در وضعیت عادی قرار بگیرد. دست زدن به اقداماتی که بر آتش تنش‌ها بدمد نه به نفع ایران است، نه به نفع کشورهای منطقه».

گفتنی است مدیرمسئول کیهان در یادداشت ۲۲ آذرماه از بستن تنگه هرمز به روی نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری کشورهای یادشده به‌عنوان یکی از اهرم‌های قدرتمند و پشیمان‌کننده برای مقابله با جنایات آمریکا و اروپا یاد کرده بود با این استدلال منطقی و قانونی که اولاً تنگه هرمز، دومین تنگه پرترافیک دنیاست که روزانه نزدیک به ۱۸ میلیون بشکه نفت که معادل ۴۲ درصد نفت‌خام حمل‌شده جهان توسط نفتکش‌هاست، از آن عبور می‌کند، ثانیاً جمهوری اسـلامی ایران با استناد به کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنـو و ۱۹۸۲ جامائیکا که موضوع آن «نظام حقوقی آبراه‌های بین‌المللی و حق عبور کشتی‌هاست» حق دارد و می‌تواند در صورتی که منافع ملی خود را در مخاطره ببیند، تنگه هرمز را به روی تمامی کشتی‌های نفتکش و حتی کشتی‌های حامل کالای تجاری و تسـلیحاتی ببندد و دلیلی ندارد که کشـورهای متخاصم از تنگه‌ای که در آب‌های سرزمینی کشورمان قرار دارد اجازه عبور داشته باشند. این حق مسلم و قانونی ایران است که به کشتی‌های نفتکش و شناورهای حامل کالای تجاری متعلق به کشورهای متخاصم اجازه عبور از تنگه هرمز را ندهد.

این مطالبه تا حدی بر مسـتندات قانونی و حقوقی اسـتوار است که نمایندگان مجلس نیز براسـاس آن اقدام به نگارش طرحی دوفوریتی برای محدودسـازی تردد کشتی‌های کشورهای غربی برای مقابله با اقدامات خصمانه آنها علیه ملت ایران کرده‌اند.

اما متاسـفانه طیف مدعی اصلاحات مدت‌هاست در کنج عافیت بدون توجه به واقعیات فضای بین‌الملل، تنها راه را تقلیل امنیت ملی، زندگی در سایه مذاکرات نااستوار بر سر داشته‌ها و دستاوردهای کشور و تسلیم‌طلبی در برابر دشمن معرفی می‌کنند.

ایـن جریان حتی زمانی که رئیس‌جمهور مورد حمایت‌شـان نیز در واکنش به تهدید دولت ترامپ مبنی بر به صفر رساندن صادرات نفت ایران، موضوع بستن تنگه هرمز به روی کشـتی‌های آمریکایی را مطرح کرده بود، در مواضعی از سـر خفت او را این‌گونه سـرزنش کردند: «روحانی شیخ دیپلمات است نه سرهنگ تهدید. به این ترتیب می‌توان نوعی سیاست لبه پرتگاه را در جهت‌گیری‌ها و اظهارنظرهای روحانی مشاهده کرد. اگرچه به صفر رساندن صادرات نفت ایران از سوی آمریکا در حکم بازی با دم شیر اسـت، به همان میزان نیز بسته شدن تنگه هرمز از سوی ایران در حکم همین بازی است.»

تسلیم‌طلبان افراطی مدعی اصلاح‌طلبی همواره در بزنگاه‌های تاریخی در مواجهه با دشمنان ملت، با جریان خارجی همراهی و به‌جای قرار گرفتن در صف ملت ایران، همراهی با تحریم‌کنندگان و صف بیگانگان را ترجیح داده و نسخه تسلیم پیچیده‌اند.

و بالاخره، انتظار آن بود که مدعیان اصلاحات ابتدا کنوانسـیون‌های بین‌المللی درباره، «آبراه»ها را مطالعه می‌کردند و سپس به اظهارنظر در این خصوص می‌پرداختند. ولی در این خصوص نیز مانند بسیاری از موارد دیگر نظیر مذاکرات هسته‌ای بی‌آنکه از متن برجام خبر داشته و یا آن را مطالعه کرده باشند، به همین‌گونه اظهارنظرهای عوامانه بسنده می‌کردند.

بی‌کفایت در مدیریت اما تا دلتان بخواهد، ماله‌کش غرب!

متهم سوءمدیریت و ترک فعل در دولت سابق، می‌گوید ایران برای این که تنش‌ها افزایـش نیابد، از اروپا درباره جنگ اوکراین ابهام‌زدایی کند. عباس آخوندی در عین حال، داشتن برنامه هسته‌ای ایران را هم تخطئه کرد و مدعی شد این برنامه موجب گرفتاری ایران شد!

عباس آخوندی در تحلیلی که از سـوی روزنامه سـازندگی منتشر شده، نوشت: «تنش میان ایران و اروپا رو به فزونی اسـت و هیچ نشـانه‌ای از اهرم‌های مهار وجود ندارد. ریشـه این موضوع به تلقی غرب از همراهی ایران و روسـیه در جنگ اوکراین باز می‌گردد و مساله برجام در آن نقش پررنگی ایفا نمی‌کند. زیان‌های این رویارویی غیرقابل جبران و برای هیچ است. و این افکار عمومی ملت ایران را بسیار آزار می‌دهد. عبور از این مرحله نیازمند هوشمندی فراتر از دولت مستقر است. باشد سیاست‌سازان تدبیری بیندیشـند. به فضای رسـانه‌های غربی که نگاه کنید بسـیار ملتهب است. دیشـب مصاحبه یکی از نماینده‌های مجلس اروپا را مستقیم گوش کردم به وضوح می‌گفت ما در پی این هسـتیم که طی فرایندی اساسا مشروعیت جمهوری اسلامی ایران را در نظام بین‌الملل سـلب کنیم. باید ریشه این هدف‌گذاری را جستجو کرد و آن را خشـکاند. گرهی که با دست باز می‌شود را با دندان باز نمی‌کنند. فضای بسیار شدیدی علیه ایران در افکار عمومی جهان شکل گرفته است. در این فضا، پاسخ‌های پرخاشـگرانه و به‌ظاهر از موضع قدرت، دقیقاً بازی در زمین جنگ‌سالاران است. این نوع موضع‌گیری‌ها تنها شـواهد مورد نیاز آنان را تکمیل می‌کند. اگر پیش از جنگ اوکراین تنها لابی اسرائیل در غرب در پی امنیتی کردن پرونده ایران بود، اکنون این مسـئله عمومیت یافته و این آسـتانه پرمخاطره‌ای برای هیچ است». وی افزود: «در این شرایط باید از هرگونه رویارویی مستقیم خودداری کرد. باید فضا را آرام کرد. در فضای پیش‌گفته، حل مسأله اوکراین برای ایران در وضعیت حاضر نسبت به حل مساله هسته‌ای و مذاکرات برجام از فوریت بیشتری برخوردار است. غربی‌ها به واقع، از بحث هسته‌ای ایران هیچ‌گاه نگرانی جدی‌ای نداشته‌اند و از آن بیشتر به عنوان یک بهانه و ابزاری برای کنترل ایران در نظام بین‌الملل استفاده می‌کرده‌اند و می‌کنند. این دامی بود که آنان برای ایران پهن کردند و ایران شـوربختانه، وارد آن شد و ۲۰ سال است که کشور گرفتار است. ایران از توسعه عقب ماند، تجارت مختل شد، تورم سر به فلک کشید و فقر همه‌گیر گشت، جامعه فروپاشید و روند سراشیبی هم‌چنان ادامه دارد. با این وجود، کمتر رابطه ایران و غرب به رویارویی مستقیم کشیده شد. لیکن، اروپائیان در مورد اوکراین، حساسیت دیگری دارند. چون آنجا یک صحنه رویارویی تمام عیار غرب و روسیه است و امنیت زندگی‌شان مطرح است. روس‌ها با رندی و نامردی تمام و ما هم با بی‌تدبیری و موقعیت ناشناسـی تمام وارد بازی روس‌ها شـدیم. ایران باید به نحو اطمینان‌بخشی و مستقل از مذاکرات برجام خود را از بحث درگیری روسیه- اوکرایـن جدا کند. ایران هیچ‌گونه منافعی در این جنگ ندارد. لجبازی و مقاومت در این ارتباط، هیچ مبنای منافع ملی و یا توجیه اخلاقی ندارد.دستگاه سیاست خارجی باید به‌صورت شفاف و آشکار با اتحادیه اروپا وارد مذاکره مستقیم و بی‌واسطه شود و بگوید کـه در این ارتباط آمادگی دارد که از غرب ابهام‌زدایی کامل بکند و بی‌طرفی خود را در عمل به‌اثبات برساند. این اقدام به مفهوم ضعف نیست. توضیح، رفع ابهام و اجتناب از نزاع شرط عقل است».

چنان که متن فوق نشان می‌دهد، مسئله وزیر اسبق راه و شهرسازی، صرفاً ادعای دخالت ایران در جنگ اوکراین نیسـت، بلکه او حتی منطبق با لحن همیشه طلبکار غرب، برنامه هسته‌ای را هم عامل گرفتاری و فقر و تورم ایران وانمود می‌کند. با این حساب و براسـاس مواضع زیاده‌خواهانه غرب، داشتن قدرت دفاعی بازدارنده و نفوذ منطقه‌ای (عمق راهبردی) از سوی ایران هم، گرفتاری‌ساز است، چرا که غرب درباره همه اجزای قدرت ایران حرف دارد!

نکته درس‌آموز که متأسـفانه عبرت‌های آن از سوی عناصر غربگرا ندید انگاشته می‌شود، خوش رقصی همین جماعت در برجام و پسابرجام برای غرب است. با وجود واگذاری یا تعطیلی ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای ایران در برجام، غربی‌ها به واسطه امثال آقای آخوندی، عملیات فریب را علیه ملت ایران و دولت وقت به اجرا گذاشتند و زیر همـه توافقات- از لغو تحریم‌ها، تا قرارداد نفتی توتـال و قرارداد ۱۵۰ فروند فروش هواپیمای ایرباس و بویینگ به ایران- زدند.

آقای آخوندی که خود متهم ماجراست، باید توضیح بدهد چگونه به واسطه عکس یادگاری گرفتن با یک فروند هواپیمای خریداری شـده در آسـتانه انتخابات مجلس (زمسـتان ۱۳۹۴) افکار عمومی را برای اکثریت گرفتن مدعیان اعتدال و اصلاحات در مجلـس فریب داد، اما تمام آن قراردادها چند ماه بعد توسـط طرف غربی زیر پا گذاشته شد و صدایی از دولتمردان وقت درنیامد؟ آیا آن زمان برنامه هسته‌ای، موی دماغ غربی‌ها بود، که نبود و واگذار شـده بود؟ مسـئله اوکراین، بهانه بود، که نبودِ و هنوز جنگ اوکراین اتفاق نیفتاده بود؟ بنابراین مسئله اروپایی‌ها چه بود که دقیقاً در تمام جزئیات، با نقشـه آمریکایی‌ها برای محروم کردن ایران از حقوقش در برجام و قراردادهای کذایی، همراهی کردند؟!

این نکته را هم باید یادآور شد که بخشی از گرفتاری‌های فعلی اقتصادی - نظیر افزایش لجام گسیخته قیمت مسکن و تأثیر نهایی آن بر نرخ کلی تورم در کشور- زیر سـر بی‌کفایتی و سوء مدیریت و ترک فعل برخی وزرای اشرافی غربگرا نظیر همین آقای عباس آخوندی است که مسکن مهر را مزخرف می‌خواندند و در دوره مدیریتی آنها قیمت مسکن ۷ برابر گران شد.

تایمز اسرائیل: دولت نتانیاهو یک سال هم دوام نمی‌آورد

نشریه صهیونیستی تایمز اسرائیل پیش‌بینی کرد: دولت نتانیاهو نتوانست حتی یک سال هم دوام بیاورد.

این روزنامه نوشـت: اسرائیل دموکراسی از نوع کلاسیک آن نیست. ما با رأی به احزاب به رهبران احزاب رأی نمی‌دهیم، اما چرا نباید به افراد رأی داد؟ نه مثل تلاش ناموفق پیشین برای رأی به یک نخست‌وزیر و در رأی گیری جداگانه، به یک حزب، بلکه رأی که فردی که به‌طور مشخص نماینده ناحیه شما است.

به نظر می‌آید دولت نتانیاهو، مخالفت‌های زیادی از اطراف جهان به سمت خود جذب می‌کند. این دولت تا سال آینده دوام نخواهد آورد. انتصاب‌ها براساس حمایت هر یک از آنها از نتانیاهو صورت گرفته است، نه براساس توانایی کار در زمینه‌ای که برای انجامش دارای قابلیت کافی هسـتند. فراموش نکنیم علت شکست تلاش‌های پیشـین نتانیاهو در تشـکیل دولت آن بود که نتوانست بودجه را به تصویب برساند. می‌ترسم این‌بار نیز موجب سقوط دولت آتی همان مشکل باشد.

نشـانه‌های یک رهبر خوب آن اسـت که به رأی‌دهندگان خود خدمت کند، و شـخصیتی محکم و قابل اتکا داشته باشد تا قادر باشد احترام حوزه انتخابیه خود را جلب کند. البته می‌بایست مشـاهده شود که نه اهداف شخصی خود، بلکه نیازهای حوزه انتخابیه خود را پی می‌گیرد. قدرت یک سیاسـتمدار را رأی‌دهندگان او به او داده‌اند و به همین خاطر تلاش دوجانبه‌ای در قالب بیان عقیده به سود خواسته‌های رأی‌دهندگان خود می‌بایست اولویت اصلی او باشد. اگر در انجام وظیفه خود موفق نشود، همان کسانی که او را به قدرت رسانده‌اند، با استفاده از حق خود در برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای دیگری را به‌جای خود خواهند نشـاند. متأسفانه، به نیازهای اضطراری شهروندان اسرائیل مانند تورم فزاینده، قیمت‌های گزاف مسکن، و سلطه غیرقابل باور «اداره اراضی اسـرائیل» در نظر گرفته نشـده است. علت قیمت‌های غیرقابل کنترل مسکن ناشی از کنترل مطلقی است که «اداره اراضی اسرائیل» بر ما اِعمال می‌کند.

تحلیل روزنامه تایمز اسـرائیل مبنی بر پیش‌بینی عمر کوتاه دولت نتانیاهو در حالی اسـت که رژیم صهیونیسـتی در کمتر از پنج سال، با انحلال و جایگزینی پنج دولت دست به گریبان بوده است.

قیمت‌سازی مصنوعی برای ارز خارج از واقعیات عرضه و تقاضا

قیمت‌گذاری غیرواقعی و تصنعی در فضای مجازی، فضای واقعی اقتصاد را درگیر خود کرده است.

روزنامه همشهری درباره التهابات بازار ارز نوشت: اثر سوء میدان مجازی بر قیمت دلار، همه آن چیزی است که در جنگ رسانه‌ای جدید رقم خورده است.

نهایت سـادگی اسـت خیال کنیم اغتشاشات تمام شده است. آشوب صرفا کف خیابان نبود که بخواهد جمع شود. اغتشاش در ذهن‌ها رقم می‌خورد و همچنان ادامه دارد. به همین نمونه تروریست خواندن سپاه توجه کنیم. صرفا یک تنفس مصنوعی برای استمرار آشوب‌های ذهنی. آن‌هم قطعنامه‌ای که بدون الزام اجرایی صرفا در سطح پارلمان اروپاسـت و راه بسیار تا تصویب نهایی دارد. بعد از تصویب نیز هیچ است اما بدون آن نیز از پوچ بساط ساختند. دشمن ذهن جامعه را هدف گرفته است. آتش کف خیابان نیز از ذهن‌ها زبانه می‌کشد. چنانچه جنگ ذهنی را مدیریت نکنیم، اقدامات امنیتی و انتظامی منفعلانه پس سراب دویدن است.

نمونه آشـکار این جنگ جدید در قیمت دلار و سبزه میدان‌های مجازی در این روزهاست.

قیمت دلار چطور تعیین می شود؟ عرضه و تقاضای ارز. ما ۲ بازار تعیین‌کننده قیمت ارز داریم. بازار اصلی که ارز نیمایی اسـت و بازار آزاد که به گفته وزیر اقتصاد کمتر از یک درصد معاملات است. قیمت در بازار آزاد با هیجانات سیاسی دچار تلاطم می‌شود. اما رفتار دولت‌ها در کوتاه‌مدت چیست؟ عرضه ارز و تعادل مجدد بازار.

عرضه ارز در چه شـرایطی است؟ هم صادرات غیرنفتی رشد داشته و هم فروش نفت روزانه رکورد فروش ۱/۴ میلیون بشکه را زده است. پس مشکلی از جانب عرضه ارز نیست.

اما چرا قیمت تعدیل نمی‌شود؟ چون اساسا بازاری که تعیین‌کننده قیمت است از عرضه و تقاضای واقعی اثر نمی‌گیرد.

با این توضیح یک درصد بازار ارز کل اقتصاد را درگیر کرده است؛ آن‌هم نه بازار آزاد در میدان فردوسی و سبزه‌میدان، بلکه بازار دلالی و سوداگری ارز در فضای مجازی که از بیخ قیمت‌سازی است. پلیس امنیت در یک دوره کوتاه ۸۸ نفر را در این نابازار دسـتگیر کرده اسـت. یک قیمت‌گذاری غیرواقعی و تصنعی در فضای وهمی، کل اقتصاد در فضای واقعی را درگیر کرده است. آشوب و اغتشاش کف خیابان نیز همین بود و همین هست. ۴ نفر یک گوشه آتش درست کردند و شعار دادند و تصویرش را با قواعد جنگ شناختی توزیع کردند، تا عده‌ای سطل آشغال آتش زدن در پس‌کوچه‌های پایین محله را انقلاب ایران بنامند.

به جای گفت و شنود

زیر برق شمشیرهای تیز و خونریز

امروز با سـالروز شـهادت حضرت امام هادی علیه‌السلام همزمان است. امام بزرگواری که بسـیاری از معارف الهی و آموزه‌های اصیل اسـلامی را به اقصی نقاط دنیای اسلام برساند. امروز این ستون را به بخشی از بیانات حکیمانه رهبر معظم انقلاب درباره آن امام عزیز و گرانقدر اختصاص می‌دهیم.

«بالاخره در نبرد بین امام هادی(علیه‌السّـلام) و خلفایی که در زمان ایشـان بودند، آن کس که ظاهراً و باطناً پیروز شـد، حضرت هادی(علیه‌السّلام) بود. در زمان امامت آن بزرگوار شش خلیفه، یکی پس از دیگری، آمدند و به درک واصل شدند. آخرین نفر آنها، «معتز» بود که حضرت را شهید کرد و خودش هم به فاصله کوتاهی مُرد. این خلفا غالباً با ذلت مردند؛ یکی به‌دست پسرش کشته شد، دیگری به دست برادرزاده‌اش و به همین ترتیب بنی‌عباس تارومار شدند؛ به عکس شیعه. شیعه در دوران حضرت هادی و حضرت عسکری(علیهماالسّلامَ) و در آن شدت عمل روزبه‌روز وسعت پیدا کرد؛ قوی‌تر شد.

حضرت هادی(علیه‌السلام) چهل و دو سال عمر کردند که بیست سالش را در سـامرا بودند؛ آن‌جا مزرعه داشتند و در آن شهر کار و زندگی می‌کردند. سامرا در واقع مثل یک پادگان بود [که آن را معتصم هشتمین خلیفه عباسی ساخته بود]... در همین شهر سامرا عده قابل توجهی از بزرگان شیعه در زمان امام هادی(علیه‌السلام) جمع شدند و حضرت توانسـت آنها را اداره کند و به وسیله آنها پیام امامت را به سرتاسر دنیای اسلام -با نامه‌نگاری و...- برساند. این شبکه‌های شیعه در قم، خراسان، ری، مدینه، یمن و در مناطق دوردست و در همه اقطار دنیا را همین عده توانستند رواج بدهند و روزبه‌روز تعداد افرادی را که مؤمن به این مکتب هستند، زیادتر کنند. امام هادی همه این کارها را در زیر برق شمشیر تیز و خونریز همان شش خلیفه و علی‌رغم آنها انجام داده است. حدیث معروفی درباره وفات حضرت هادی(علیه‌السلام) هست که از عبارت آن معلوم می‌شود که عده قابل توجهی از شیعیان در سامرا جمع شـده بودند؛ به‌گونه‌ای که دستگاه خلافت هم آنها را نمی‌شناخت؛ چون اگر می‌شـناخت، همه‌شان را تارومار می‌کرد؛ اما این عده چون شـبکه قوی‌ای به‌وجود آورده بودند، دستگاه خلافت نمی‌توانست به آنها دسترسی پیدا کند.

یک روزِ مجاهدت این بزرگوارها -ائمه (علیهم‌السـلام)- به قدر سال‌ها اثر می‌گذاشت؛ یک روز از زندگی مبارک اینها مثل جماعتی که سـال‌ها کار کنند، در جامعه اثر می‌گذاشت. این بزرگواران دین را همین‌طور حفظ کردند، والّا دینی که در رأسش متوکل و معتز و معتصم و مأمون باشد و علمایش اشخاصی باشند مثل یحیی‌بن‌اکثم که با آن‌که عالمِ دستگاه بودند، خودشان از فساق و فجار درجه یکِ علنی بودند، اصلا نباید بماند؛ باید همان روزها بکل کلکِ آن کنده می‌شـد؛ تمام می‌شد. این مجاهدت و تلاش ائمه(علیهم‌السلام) نه فقط تشیع بلکه قرآن، اسـلام و معارف دینی را حفظ کرد؛ این است خاصیت بندگان خالص و مخلص و اولیای خدا».(۱۳۸۳/۵/۳۰)

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳ - ۳۰۰۰۷۱۹۳۲

*درکنار رفتار نژادپرستانه و اعلام مجدد بردگی برخی روزنامه‌های زنجیره‌ای نسبت به غرب در جریان واکنش حقارت‌طلبانه آنها به اجلاس بین‌المللی «زنان تاثیرگذار» من فکر می‌کنم انتخاب نام بورکینا فاسو برای تحقیر مردم ستمدیده آفریقا، دلیل دیگری هم دارد. اگر خبرها را تعقیب کنید این روزها مردم بورکینا فاسو برای خلع ید استعمارگران فرانسوی از شئون مختلف کشورشان خیزش بزرگی را برپا کرده‌اند. این یعنی برخی روزنامه‌های زنجیره‌ای در واقع پادوهای استعمارگران غربی در کشور ما هستند.

موحد

* ضمن سپاس از تلاش‌های شبانه‌روزی دولت خدمتگزار و جهادی، امید است ضمن جلسات اقتصادی با اساتید انقلابی و کارشناس اقتصادی راه برون‌رفت از افزایش قیمت دلار بیابند تا در این روزهای پایان سال این معضل به مردم به‌ویژه کسبه فشار نیاورد و تورم را افزایش ندهد.

سروی

* از آقای شریعتمداری که یک تنه در برابر دشمنان داخلی و خارجی ایستاده و به دفاع از نظام اهتمام می‌ورزد تشکر می‌شود.

سوادی- آبادان، شربیانی- تهران

* کجایند رسانه‌های مرتد اینترنشنال خبیث و بی‌بی‌سی مزخرف که گلوی خود را برای بی‌عدالتی و نقض حقوق بشر در عربستان پاره کند؟ چگونه یک معلم به جرم پست انتقادی در توئیتر به اعدام محکوم می‌شود؟ کجایند سلبریتی‌هایی که یقه برای نوکری آمریکا چاک می‌کردند و با تبلیغات رسانه‌های گاوشیرده آمریکا یعنی آل‌سعود همراهی می‌کردند؟

میروهابی

* به فرموده حضرت آقا دوران بزن‌دررو تمام شد. دورانی که اگر یک آمریکایی دون پایه پادشـاه ایران را با خودرو زیر می‌گرفت و پاسخگو نبود گذشت... به برکت اسـلام امروز ایران عزیز مثل شیر شرزه است. آمریکا، انگلیس، فرانسه و نوچه‌هایشـان دیگر قادر به حرکت‌های گذشته نیستند و اگر خطایی کنند به‌شدت سیلی می‌خورند. انگلیس خبیث باید ضمن پرداخت غرامت به‌خاطر پرورش اکبری برای جاسوسی باید رسما عذرخواهی کند و غرامت بپردازد.

سیدمحمد تقوی

* مراکز علمی دنیا اذعان دارند که ایران نه‌تنها در حجم تولید علم نانو بلکه در جهت‌گیری و کیفیت دستاوردهای علمی در دنیا پیشرو است. و ان‌شاءالله می‌رود تا مقام اول جهان را کسـب کند و همه دنیا را متوجه ایران اسـلامی نماید و طالبان علم را به سوی خود بکشد.

خسروبیگی

* دستگاه محترم قضا! با حلوا حلوا کردن دهان شیرین نمی‌شود. ترک‌فعل‌های دولت ۱۱ و ۱۲ نیاز به میکروسکوپ ندارد بلکه مثل روز روشن است.

شیخی

*یکی از اصلاح‌طلبان چون جلایی‌پور به جای اینکه اغتشاشگران را محکوم نمایـد به نظام جمهوری اسـلامی تاخته و نظـام را بی‌کفایت معرفی کرده است! امثال این آقاکه اغلب فارغ‌التحصیل انگلیس خبیثند وامدار این کشور پیر اسـتعمارگرند و نمی‌توانند خلاف طبع آنها سخنی بر زبان جاری کنند. طبیعی اسـت که انگلیس این روباه پیر دست به تربیت شاگردانی زده است که مدافع او باشند.

حمیدی

* کاربران ایران در برابر شبکه‌های معاند که از اقدام دولت انگلیس در معرفی سـپاه به‌عنوان یک نیروی تروریست حمایت می‌کنند، با هشتگ پاسخ دادند که اگر سپاه نبوده کشور نبود. اگر سپاه نبود عراق نبود، اگر سپاه نبود سوریه نبود، اگر سـپاه نبود لبنان نبود، اگر سپاه نبود یمن نبود و اگر کسی هم بود مشغول یاد گرفتن زبان عبری بود!

فیضی

* خیلی سـاده‌انگارانه است که اگر کسـی فکر کند غرب با این همه هیاهو دنبال حقوق زنان و حقوق بشـر در ایران است. پلیس آمریکا هر سال ۱۲۰۰ نفر از شهروندانش را به راحتی به قتل می‌رساند و آب از آب تکان نمی‌خورد! نه رسـانه‌ای دارند، نه سـلبریتی ای، که جرأت عرض‌اندام داشـته باشد و هشـتگ بگذارد و بخواهد کار پلیس را تقبیح نماید. حال یک حادثه‌ای اگر در کشـورمان رخ بدهد همه مواجب‌بگیران به صف می‌شوند تا عقب نمانند و در کنار اینترنشـنال و بی‌بی‌سی توپخانه را به روی نیروهای مدافع نظام و کشور نشانه بروند.

محمودآبادی

* به مجلس و دولت پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از جاسوس‌پروری، تمام مدیرانی که فرزندانشان در کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان و آمریکا در حال تحصیل هستند از امور دولتی برکنار باشند.

رزمی

* دشمنان و بدخواهان تبلیغات راه‌انداخته بودند که جمهوری اسلامی امسال رنگ برف را نمی‌بیند ولی همه شاهد بارش آسمانی در بیشتر شهرهای کشور بودیم. کور بشود هرکسی که خوشی‌های مردم ایران را نتواند ببیند.

بیضایی

* به بهانه بارش برف در بیشتر شهرهای کشورمان که طبیعت را سفیدپوش و زیبا کرد عرض می‌کنم مهربانی هم مثل برف است. هرچیزی را که بپوشاند آن را زیباتر می‌کند. پس تا می‌توانیم به یکدیگر مهربانی بکنیم.

جعفرپور

* خدا گذاشت درست در زمانی که دشمنان ملت ایران آرزو می‌کردند جمهوری اسلامی برف را نبیند خیلی قشنگ سراسر کشورمان ایران را سفیدپوش کرد و همگی خوشـحال شدیم طبیعی است که این خوشحالی بدخواهان نظام و انقلاب را حسابی می‌سوزاند.

درویشی

* به‌دلیل گرانی و بالا رفتن هزینه زندگی در انگلیس دزدی مواد غذایی در این کشور به حدی زیاد شده که فروشگاه‌های لندن یخچال‌هایشان را قفل می‌کنند و از مشتریان می‌خواهند اگر چیزی لازم دارند با مسئول فروشگاه صحبت کنند.

تکلو

* بعضی‌ها که نمی‌توانند شادی مردم ایران را ببینند به هنگام بارش برف در کشورمان به جای آنکه خوشحال باشند و خدا را شکر بکنند با رسانه‌های زرد خود اقدام به نفرت‌پراکنی کردند!

عسگری

* بهترین راه بالا بردن مشـارکت و حضور مردم در انتخابات این اسـت که دولت مشکلات را حل بکند.

فروغی

* نشـریه هتاک شارلی ابدو که سابقه اهانت به پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) را نیز در کارنامه سیاه خود دارد به رهبر معظم انقلاب نیز هتاکی کرد ولی شـاهدیم دولت فرانسـه در توجیه این اقدام اعـلام کرده در این کشور مطبوعات و رسانه‌ها از آزادی بیان برخوردار هستند. پس چرا ماکرون رئیس‌جمهور این کشـور اخیرا از نصب‌کنندگان یک بیلبورد با طرح صورت وی که او را در شمایل هیتلر رهبر آلمان نازی نشان می‌داد و از سیاست‌های او انتقاد شده بود شکایت کرده است. سالیان سال است که شاهد دم خروس غرب و غربی‌ها از جمله فرانسه با کلیدواژه آزادی بیان هستیم و طشت رسوایی آنان فرو افتاده است.

نجاری

* عبدالحمید مولوی امام جمعه مسجدمکی زاهدان بر چه مبنایی از فرقه ضاله بهائیت این فرقه انحرافی ساخته انگلیس که نبوت پیامبر اکرم(ص) را قبول ندارند و حتی الازهر مصر هم آنان را خارج از اسـلام می‌داند و فقط اسرائیل آنها را به رسـمیت شـناخته و به آنان مأوی داده دفاع می‌کند؟ چقدر زشت است کسی با هدف سیاه‌نمایی علیه نظام به حمایت از فرقه‌هایی کثیفی چون بهائیت بلند شود.

معروف

* پناهنده شـدن برادر آقای جبلی رئیس محترم صدا و سیما ربطی به خود ایشـان ندارد. برادر او بنا به هر دلیلی تصمیم گرفته از ایران برود. مهم خود مسـئولین کشور هستند که بدون توجه به وسوسه‌های شیاطین پای نظام و انقلاب بمانند و کشور را جلو ببرند.

آهنگران

* چرا عده‌ای به اسم اصلاح‌طلب همه‌چیز را باب دل و تفکرات خود می‌پسندند و از هیچ چیزی برای کوبیدن نظر مخالف خود نمی‌گذرند؟ این جماعت بپذیرند یا نپذیرند مانع پیشرفت کشور شده و می‌شوند.

کوچک‌زاده

* روز ۲۳ دی‌ماه سـالروز وفات دکتر سـیدجعفر شهیدی این استاد حوزه و دانشگاه بود. یکی از دوستان ایشان نقل می‌کند یک روز در حالی که با هم در خیابان قدم می‌زدیم استاد هنگام ظهر و شنیدن اذان باانداختن یک دستمال بر روی زمین نماز ظهر را اقامه کرد و بعد از خواندن نماز در حالی که صاحب چند مغازه ایستاده بودند و نگاه می‌کردند به پیاده‌روی خود ادامه دادیم.

کلاهدوز